

با سلام و عشق فراوان خدمت آقای شهبازی بزرگوار و عزیزان دلگشای گنج حضور

تسلیم 

تسلیم و فضاگشایی به این خاطر راه‌گشاست که وقتی شما از درون حالتون بد هست، و مقاومتِ شدید به اتفاقات دارید، گرچه شاید فکر می‌کنید حق با شماست، ولی اول باید تسلیم بشوید، تا فضای تنگِ درونتون باز شود، چون با انقباض، هر حرف و عملی از شما مقاومتِ من ذهنی را بیشتر می‌کند، و توهّماتِ ذهن شدیدتر می‌شود.

هر زمان با تسلیم، هیاهویِ من ذهنی کمتر شد، و خرد و آگاهی در وجودتون آزاد شد، آن وقت حرف و عملِ شما پخته هست، یعنی آن قدر قدرت دارید که من ذهنی نتواند شما را منقبض کند، و کلام شما را به زهرِ کینه و رنجشِ خود آلوده کند، و گرفتاریِ شما بیشتر بشود، بلکه با فضاگشایی معنا و خرد درونتون شما را راهنمایی کند.

جز توکل، جز که تسلیم تمام
در غم و راحت همه مکر است و دام
-مولوی، مثنوی، دفتر اول، بیت ۴۶۸

جز توکل و صبری که تماماً شما را فضاگشا کند، هر راهی دیگر که با من ذهنی به شما آرامش می‌دهد، و فکر می‌کنید راحت هست، در حقیقت مکر و دامِ من ذهنی هست، و بعدها بیشتر گرفتارتان می‌کند.

شاید زمانی که شما ناراحت هستید، با ایجاد درد فکر می‌کنید اگر خالی شوید، با واکنش و جر و بحث کارتان حل می‌شود، در حالی که بدتر می‌شود؛ چون اگر کامل تسلیم می‌شدید و فشارِ من ذهنی کم می‌شد، اون اتفاق قدرتش را از دست می‌داد، ولی شما با واکنش باعث شدید هم مشکل بماند، و هم دلخوری و تشویشِ ذهن بیشتر بشود.

❖❖❖❖

آفتِ ادراکِ آن، قال است و حال
خون به خون سُستن، مُحال است و مُحال
-مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۴۷۲۷

آن چنان که مولانا می‌گوید باید کامل برای شما روشن بشود، که گرفتاری‌هایی که من ذهنی ایجاد می‌کند را با من ذهنی نمی‌شود شست، چون درمانِ من ذهنی موقت هست، و فقط انسان‌های ناآگاه این درمان موقتی را باور می‌کنند. پس بدانید و آگاه باشید وقتی حالتان را من ذهنی خراب کرده، و انواع و اقسام مرض و گرفتاری دارید، به دواها و راه‌های ذهنی زیاد اعتماد نکنید، یاد بگیرید زمانی که خشمگین هستید، یا ناراحتی دارید، فضاگشایی کنید، و بزرگان را بخوانید.

برای تسکینِ دردتون به یک انسان من ذهنی رویِ نیآورید تا راه‌های ذهنی نشانتان بدهد، و فقط با خوش خیالی شما را کمی آرام کند، و بعد قوی‌تر، درد به شما حمله بکند.

❖❖❖❖

شما فریبِ من ذهنی را نخورید که علتِ بیرونی برای مشکلاتان پیدا کنید. اگر در میان تلاطمِ اتفاقاتی هستید که ناراحتان می‌کند، اگر خردمند باشید، درونِ خود را می‌نگرید، و از قضایِ الهی غافل نمی‌شوید که کجایِ مرکزِ شما را نشانه گرفته است. گرچه همه هم بخواهند علتِ مشکل را بیرونی بدانند، ولی قطعاً در آخر به نتیجه نمی‌رسند، و با سبب‌هایِ ذهنی درس و عبرتِ زندگی نمی‌گیرند، در نتیجه اصلاحی هم صورت نمی‌گیرد.

مَرُکِبِ هَمَّتِ سَبَبِ اسباب راند
از مسببِ لاجرم محروم ماند

—مولوی، مثنوی، دفتر دوم، بیت ۳۷۸۶

کسانی که دنبال نشان‌های بیرونی و سبب‌های ذهنی هستند، از فضاگشایی و مسبب واقعی که خداوند هست، محروم می‌مانند، چون تمام انرژی آنها را سبب‌های بیرونی اتلاف می‌کند، و فرصتی برای فضاگشایی و اصلاح درون نمی‌ماند.

❖❖❖ در آخر

گر مُسَبِّحِ یَاشَد از ماهی، رهید
ور نه در وی هضم گشت و ناپدید
مولوی، مثنوی، دفتر دوم، بیت ۳۱۴۱
با تشکر
آقای هیوا قادری